



فصلنامه علمی - پژوهشی اخلاق پژوهی

سال سوم • شماره هشتم • پاییز ۱۳۹۹

Quarterly Journal of Moral Studies
Vol. 3, No. 8, Autumn 2020

تبیین تأثیر مُغْرَبِ حسد بر ساحت معرفتی و عاطفی ایمان

محمد جواد فلاح* | کبری هواسی**

چکیده

در منابع حدیثی «حسد» به عنوان تخریب‌کننده و از بین برنده ایمان معرفی شده است. این نگرش بر خواسته از متون دینی، ضمن آن که رابطه معنادار مسائل اخلاقی با مسائل اعتقادی و حوزه باورها را نشان می‌دهد، به عنوان یکی از ظرفیت‌های اساسی در اصلاح و بهبود عملکرد اخلاقی افراد - به ویژه دوری از رذیله حسد - به شمار آمده است. در این مقاله - به روش توصیفی - تحلیلی - به تأثیرگذاری این دو حوزه حائز اهمیت پرداخته شده است؛ یکی ساحت شناختی و دیگری ساحت عاطفی و گرایشی. با توجه به این که مؤلفه‌های شکل‌دهنده ایمان دو عنصر باور قلبی و معرفت‌شناختی است، «حسد» به عنوان یک رذیله درونی با تأثیر در این دو ساحت معرفتی و عاطفی انسان، زمینه تخریب و نابودی ایمان را فراهم می‌آورد. ویژگی حسد که بیانگر اختلال در حوزه عقیده و باور اعتقادی افراد از یک‌سو و بیماری قلبی و روحی افراد از دیگر سوست، می‌تواند به کاهش و فرسایش ایمان اعتقادی و قلبی افراد بیانجامد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مبتنی بر معارف قرآنی و حدیثی، این رذیله اخلاقی با سه شاخصه شناختی و سه شاخصه عاطفی، زمینه‌های تخریب ایمان را در انسان فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها

اخلاق ایمانی، تأثیر اخلاقی حسد، تخریب ایمان، رذیله حسد، اخلاق اسلامی.

* دانشیار دانشگاه معارف اسلامی قم، قم، ایران. | mjfallah.ac@gmail.com

** مدرس گروه معارف دانشگاه فرهنگیان ایلام، ایران. (نویسنده مسئول) | havasi.ghane@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۴ □ تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۸/۲۸

طرح مسئله

«حسد» - در متون و آموزه‌های دینی - یکی از عوامل هلاک‌کننده ایمان شناخته شده است. از آنجا که «ایمان» دو بُعد مهم شناختی و عاطفی را در بردارد و بر رابطه معرفتی و قلبی انسان با خداوند استوار است، «حسد» به عنوان یک صفت درونی در این دو بُعد ایمان تأثیر گذاشته و منجر به تخریب ایمان می‌شود. این رابطه و تأثیر می‌تواند بیانگر تأثیرگذاری دو حوزه ایمان و اخلاق باشد که در معارف اسلامی به آن توجه شده است.

پرسش اساسی این نوشتار آن است که این تأثیر و تخریب چگونه محقق می‌شود. «ایمان» دارای چه عناصر و مؤلفه‌هایی است و «حسد» به عنوان یک رذیله درونی، چگونه در حوزه ایمان تأثیرگذار است.

از آیات و روایات می‌توان این‌گونه دریافت که «ایمان» یکی از مهم‌ترین فضایل اخلاقی است که در شکل‌گیری دیگر فضایل اخلاقی بسیار تأثیرگذار است. در منابع روایی این مهم مورد توجه قرار گرفته و برای نمونه، امام باقر (ع) فرمود: «به راستی، کامل‌ترین مؤمنان در ایمان خوش‌خلق‌ترین آنها است» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۰۳). این روایت نشان می‌دهد که شاخص اخلاق به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ایمان در معارف اسلامی مطرح شده است. در روایتی دیگر در نهج البلاغه آمده است:

وَسُئِلَ [عليه السلام] عَنِ الْإِيمَانِ فَقَالَ الْإِيمَانُ عَلَى أَزْبَعِ دَعَائِمٍ عَلَى الصَّبْرِ وَالْيَقِينِ وَالْعَدْلِ وَالْجِهَادِ وَالصَّبْرُ؛ از امام علی (ع) درباره ایمان سوال شد؟ فرمود: ایمان بر چهار پایه استوار است: صبر، یقین، عدل و جهاد (نهج البلاغه، حکمت ۳۱).

آن چنان که از این روایت بر می‌آید، ستون‌های ایمان را فضایل اخلاقی چون صبر، عدل، یقین و جهاد در بر دارد که در ادامه، نیز حضرت برای هر کدام انشعاب‌هایی اخلاقی را بیان می‌کنند از سوی دیگر، حسد به واسطه ویژگی‌های مخرب که دارد در حوزه شناختی و قلبی توانان نفوذ می‌کند و حتی منجر به تخریب عملکرد اخلاقی افراد می‌شود. این ویژگی اخلاقی گاهی آن چنان در انسان تأثیرگذار است که درمان آن به دشواری صورت می‌گیرد تا جایی که برخی از مراتب حسد قابل درمان نیست؛ چنان که امام علی (ع) فرمودند: «الْحَسَدُ مَرَضٌ لَا يُوسَى؛ حسادت، مرضی است که دوا و علاجی ندارد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۷۴).

آنچه مقصود ما در این مقاله است، تحلیل چگونگی تأثیر حسد در حوزه ایمان و تخریب

ایمان از طریق حسد است. به هر روی، این پرسش مطرح است که حسد بر چه درجه و ساحتی از ایمان تأثیرگذار است؟ از سویی «ایمان» چقدر می‌تواند نقش بازدارندگی در تأثیر حسد داشته باشد؟ از این‌رو، مسئله ما بر تأثیر حسد بر ایمان تمرکز دارد.

در باب مفهوم‌شناسی و بررسی رابطه ایمان و حسد و نگاه به آموزهای اسلامی، آثاری منتشر شده است. برای نمونه، کتاب حسادت، زمینه‌های رشد و راه‌های جلوگیری، نوشته حمید پهلوان و همچنین کتاب حسد، نوشته سیدرضا صدر از آثاری هستند که با نگاه خاص به رذیله حسد نگاشته شده‌اند. در مقاله «نشانه‌شناسی حسادت با تکیه بر منابع اسلامی» نوشته ابوالقاسم ولی‌زاده، به نشانه‌های حسادت با توجه به آیات و روایات پرداخته شده و مقاله «راهکارهای درمان حسادت از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی» نوشته شهاب‌الدین ذوالفقاری و همکاران نیز ناظر به راهکارهای درمان این رذیله نگاشته شده است. آنچه در مطالعات نظام‌یافته در باب حسد و ایمان موجود نیست، تبیین چگونگی تخریب ایمان به واسطه حسد است که مقاله حاضر عهده‌دار آن است. در مجموع می‌توان از تأثیرات نامطلوب و بسیار این رذیله اخلاقی بر ایمان در منابع و متون دینی و اخلاقی یاد کرد و پرسش اساسی ما آن است که حسد بر اساس چه فرایندی، ایمان را تخریب می‌کند. پاسخ این پرسش در گرو بررسی دقیق سه مؤلفه است: (۱) تبیین حسد و مؤلفه‌های قوام‌بخش و اثرگذار آن؛ (۲) تبیین ایمان و ساحت‌های تأثیرپذیر آن؛ (۳) تحلیل تأثیر ساحت‌های معرفتی و گرایشی حسد بر ایمان.

۱. تأثیر تخریبی حسد بر ایمان

تبیین حسد و مؤلفه‌های تأثیرگذار آن

برای تبیین چگونگی تأثیر حسد بر ایمان، روشن شدن معنای ایمان و حسد ضروری و کارگشاست. «حسد» در لغت، «آرزو داشتن برای زوال و نیستی نعمت کسی که استحقاق آن نعمت را دارد و بسا که با این آرزو و حسادت عملاً هم کوشش در نابودی نعمت او بنماید» است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۴۸؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۶؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۱۳؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۸۷). برخی نیز آن را «بدخواهی، خواستار زوال نعمت و سعادت دیگری بودن» معنا کرده‌اند (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۳۱). معنا و ماهیت «حسد»، در قرآن کریم و لسان روایات نیز تبیین شده است: حسد و مشتقات آن ۴ بار در قرآن کریم به معنای بدخواهی و آرزوی زوال نعمت از دیگری آمده است. حسادت کفار بر ایمان آوردن مسلمانان که قرآن کریم



به آن اشاره می‌فرماید (سوره بقره، آیه ۱۰۹). آنها به خاطر حسدی که در جانیشان ریشه دوانیده بود، دوست داشتند شما را از ایمانتان باز گردانند (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۴۹). دوست داشتن کفر شما به جهت حسدی است که بروز کرده از نفس‌های آنها، یعنی حسد به مقتضای طبع آنها است نه به امر کسی (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۲۸) و نیز از حسادت در برخی آیات دیگر نهی شده است (سوره نساء، آیه ۵۴؛ سوره فتح، آیه ۱۵؛ سوره فلق، آیه ۵).

ابن عباس بر این باور است که اگر صفتی بدتر از حسد بود، هرآینه حق تعالی حبیب خود را از آن در آخر قرآن کریم به استعاذه امر نفرمود (عزلی خلخالی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۲) و نیز آیاتی به صورت غیر مستقیم به حسد اشاره دارند (سوره آل عمران، آیه ۱۲۰). حسادت قابیل فرزند آدم (ع) نسبت به برادرش هابیل که در قرآن کریم به صورت حکایت بیان شده است (سوره مائده، آیه ۲۷-۳۱). پذیرفته نشدن قربانی از جانب خود قابیل بود که از لباس تقوا خارج شد. «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (سوره مائده، آیه ۲۷) خدای تعالی طاعت کسانی را می‌پذیرد که پرهیزگار هستند و باطن خویش را تزکیه کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۶۳) و نیز در همین رابطه، قرآن کریم داستان فرزندان یعقوب را در سوره یوسف (ع) حکایت می‌کند (سوره یوسف، آیه ۴-۵).

در روایات نیز «حسد»، آفت ایمان معرفی شده است؛ امام صادق (ع) حسد را از آفات ایمان برشمرد و می‌فرماید: «سه خصلت آفت دین‌اند: حسد، خودپسندی و فخرفروشی به دیگران» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۰۷) و در جای دیگر از «حسد» به عنوان ریشه کفرورزی و گرایش به کفر یاد کرده^۱ و می‌فرماید: «حسادت، ریشه و اساس کفر است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۰۵) امام علی (ع) می‌فرماید: «حرص و تکبر و حسد سبب می‌شود انسان در انواع گناهان فرو رود» (نهج البلاغه، ج ۳۷۱). به نظر می‌رسد، «حسد» ابتدا انسان را به ورطه گناهان می‌افکند و سپس با گناه آلوده شدن دل ایمان آسیب می‌بیند. از سویی قلعه ایمان مانع ظهور حسد به قلب می‌گردد و قلب مومن از رخنه حسد در امان است. از این رو، امام علی (ع) فرمود: «من اتقى قلبه لم يدخله الحسد؛ هر که پرهیزگار باشد حسادت وارد قلبش نمی‌شود» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۲۰۷) و یا بیان فرموده که حاسد در دین توبه ندارد؛ زیرا حسد بر قلب او نقش بسته است...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۲۲). یعنی توبه او مقبول نخواهد بود؛ زیرا که با صدق قلب توبه نخواهد کرد. به ویژه اگر حسد به نعمت دین باشد به سبب عقد قلبی و استمرار بر آن در ایام عمر و سبب

۱. «أصول الكفر ثلاثة: الحرس والاستكبار والحسد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۸۹).

و مخالفتی از ایمان در او نیست که ملکه حسد را دفع نماید (میرزا بابا شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۲۶). و باز رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «حسد و ایمان (هرگز) در دل یک نفر با هم جمع نمی‌شوند» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۱۸)؛ زیرا حسود در فکر زوال نعمت از مردم است و با روح ایمان که در خیر رساندن به هموعان و حل مشکلات آنان است. جمع نمی‌شود، امام حسن مجتبی (ع) یکی از عوامل هلاکت مردم را حسد می‌داند (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۵۷۱). امام علی (ع) در روایتی، حسد را بر اساس ویژگی‌های حاسد و فاعل حسد، این‌گونه تعریف کردند: «حسود زوال نعمت را از دیگران آرزو می‌کند و فکر می‌کند زوال نعمت از دیگران و کسی که به او حسادت ورزیده، نعمتی برای اوست» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۹۹). این تبیین از امام (ع) بر دو مؤلفه استوار است: یکی عنصر عاطفی و دیگری عنصر شناختی در عنصر عاطفی حسود گرایش و آرزوی زوال نعمت از صاحب نعمت را دارد و در مقام اندیشه و شناخت که گمان می‌کند این زوال نعمت برای او نعمت و یک نوع داشته و برخورداری است. این مسکویه در تعریف حسد می‌نویسد:

«حسد» بدترین و زشت‌ترین شرور است. از آنجا که حسود وضعیتی دارد که به خیرات و انتخاب غلبه خواهد کرد و این وضعیت غیر از مشارکت با مردم است (این مسکویه، ۱۴۲۶، ص ۳۱۳).

غزالی و نراقی، حسد را از صفت دل می‌دانند نه از افعال و این‌که هر کس بدی مسلمانی را دوست داشته باشد، حسود است (غزالی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۴۱۲؛ ملامهدی نراقی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۹۸). در تعاریف مذکور نیز دو عنصر عاطفی و معرفتی لحاظ شده است. باری محوری‌ترین عنصری که مورد تأکید و توجه قرار گرفته عنصر گرایش و قلب و دل است که زمینه ویرانی معرفت را نیز فراهم می‌کند. از این‌رو، در برخی تعاریف آمده، «حسد» تمنای زوال نعمت از دیگری است و حسود همیشه اندوهگین است؛ چه به خیر مردم غمناک و خیر آن‌ها منافی مطلوب اوست (طوسی، ۱۴۱۳، ص ۱۶۳). شهید ثانی پیرو رویکرد فلسفی علمای اخلاق، حسد را از ویژگی‌های نفس می‌داند و معتقد است که «حسد» تحریک و برانگیخته شدن قوه شهوانی و خواهش نفس برای زوال مال و حال نیکوی شخص و آرزوی آن برای خود است (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ص ۵۵). البته، می‌توان مراد از نفس را نزدیک به عنصر قلبی دانست که زمینه‌های گرایشی را در انسان فراهم می‌آورد. در برخی تعاریف، حسد به دیگر صفات اخلاقی تحویل برده شده است و برای تعریف آن از رذیله‌های دیگر مثل بُخل استفاده کرده‌اند. به عنوان نمونه، عزالدین کاشانی می‌گوید:



حسد، بخیلی کردن است بمال دیگران به طوری که نخواهد از کسی خیری یا چیزی به دیگری رسد و اگر کسی را بنعمتی مخصوص بیند طالب زوال آن است (عزالدین کاشانی، بی تا، ص ۸۸).

می توان از تحلیل های روان شناختی در تبیین حسد بهره گرفت. این تعریف و تحلیل می تواند اجزای شکل دهنده حسد به عنوان یک صفت اخلاقی مذموم را در حیطه های شناختی و عاطفی و تأثیرات آن به ویژه بر ایمان روشن کند. بنابر یکی از تعریف های روان شناسانه، حسد عبارت است از «احساس منفی ای که با دیدن امتیازی که ما نداریم یا آرزو داریم تنها ما داشته باشیم به ما دست می دهد... و حسادت این است که فرد چیزی را بخواهد که ندارد؛ در حالی که دیگری آن را دارد» (ولی زاده، ۱۳۹۱، ص ۵).

آنچه در این تعریف بر آن تأکید شده «احساس» است که گویای حالتی روحی و قلبی است. این احساس که منفی و مخرب است همراه با آرزویی منفی است؛ خواستن چیزهایی است که دیگران دارند و البته، با آرزوی سلب آن از دیگران. با این اوصاف ما در ایمان و حسد با دو عنصر معرفتی و قلبی رو به رو هستیم که این دو حوزه با تأثیر و تأثر از یکدیگر، زمینه تخریب ایمان را فراهم می کنند.

۲. تبیین ایمان و ساحت های تأثیرپذیری آن

خلیل بن احمد فراهیدی - در مقام تبیین معنای ایمان - «أمن» را ضد خوف، «أمانه» را ضد خیانت و «ایمان» را «تصدیق نفس» معنا کرده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۳۸۸) ابن فارس «ایمان» را به دو اصل نزدیک به هم بر می گرداند: یکی امانت که ضد خیانت است و معنایش آرامش قلب است و دیگری تصدیق و باور قلبی (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۳۳). مصطفوی، ریشه معنایی برای ماده (أ م ن) را « سکون و رفع خوف و وحشت و اضطراب» بر می شمرد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۵۰). راغب اصفهانی نیز (أمن) را در اصل به معنای طمأنینه و آرامش نفس و زوال ترس و خوف می داند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۰). ایمان، عبارتست از جای گیر شدن اعتقاد در قلب و این کلمه از ماده (ء م ن) اشتقاق یافته است (علامه طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۷۲-۷۳). برخی ایمان را مبتنی بر عنصر شناختی تفسیر کرده و معتقدند حقیقت ایمان در [اصطلاح] شرع، عبارت است از شناخت و آگاهی نسبت به خداوند و صفات او و فرستادگانش و شناخت تمام

فرامین و قوانینی که آنان با خود آورده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۰). محقق طوسی نیز ایمان را تصدیق قلبی همراه با اقرار به زبان تعریف می‌کند (طوسی، ص ۳۰۹) و نیز برخی منظور از ایمان را تصدیق قلبی دانسته‌اند به یگانگی خداوند و به تمامی آنچه پیامبر اکرم (ص) از جانب خداوند آورده است (ابن میثم بحرانی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۴۷۵؛ علامه طباطبائی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۸۰).

نکته دیگر آنکه مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و دیدگاه اندیشمندان اسلامی، «ایمان» دارای مراتبی است: لسانی، قلبی، تسلیم محض، ایمان به این‌که همه ملک از آن خداست (علامه طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۴۵-۴۴۶).

به اجمال می‌توان بر اساس دیدگاه متون اسلامی اذعان کرد در «ایمان لسانی» فرد تنها شهادتین را بر زبان می‌آورد چه موافق قلب باشد یا مخالف آن و تشخیص تأثیر حسد در این نوع ایمان دشوار است؛ زیرا شخص چیزی را بر زبان می‌آورد که قلبش به آن اعتراف ندارد. در ایمان قلبی که مرتبه بالاتری است. قلب تسلیم و انقیاد نسبت به نوع اعتقادات حقه دارد، ولی تسلیم محض نیست. در اینجا باز تأثیر حسد در ایمان پوشیده و مخفی‌تر است و ممکن است با خطراتی که در قلب پیش می‌آید، ایمان دچار لغزش شود. در تسلیم محض که شخص هیچ نیرویی که مطیع امر و نهی خداوند نباشد و یا از قضا و قدر خداوند بخشم‌آید، وجود ندارد. در این مرتبه که در واقع، لازمه مرتبه قبلی ایمان است، باز رگه‌هایی از حسد وجود دارد، ولی چون شخص داری رضا و تسلیم، صبر بر مشیت الهی و ملکه تقوا ... می‌شود، حسد نمی‌تواند ضربه‌های مهلکی بر او وارد سازد و در مرتبه آخر ایمان، شخص همه ملک را از آن خداوند می‌داند. هیچ چیز مالک چیزی نیست، مگر به خواست خداوند، از هیچ چیز نمی‌ترسد و هیچ پیشامدی او را اندوهگین نمی‌سازد، این نوع ایمان که همه چیز را از خداوند می‌داند حسد نمی‌تواند در آن نفوذ کند و خدشه‌ای به آن وارد سازد. چنانکه به سید مرتضی نسبت داده شده است که زوال ایمان حقیقی را غیر ممکن دانسته و شهید ثانی نیز آن را پذیرفته است (شهید ثانی، ۱۴۰۹، ص ۱۱۰).

سید عبداللّه شیر نیز به تفصیل بین مرتبه کمال یقین و مراتب دیگر معتقد شده که در صورت تحقق یقین کامل زوال ایمان ممکن نیست و در غیر آن صورت ممکن است (شیر، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۵۷۲-۵۷۳). دیدگاه‌های پیش‌گفته مرتبه‌ای از ایمان را بیان می‌کند که حسد نمی‌تواند تأثیری در آن داشته باشد و به تعبیر دقیق‌تر، کسی که به این مرتبه از ایمان دست یافته است، اصلاً دچار ردیله حسادت نخواهد شد و ایمانش او را از ورود به مرز حسادت بازمی‌دارد.

بر اساس آنچه بیان شد، آنچه متعلق تخریب حسد است دو حوزه معرفتی و عاطفی ایمان



است که حسد در این دو حوزه تأثیر گذاشته و زمینه‌ساز و عامل تخریب ایمان می‌شود. در ادامه، تبیین چگونگی تأثیرگذاری در این دو ساحت را پی می‌گیریم.

۳. فرایند تخریب ساحت‌های شناختی و عاطفی ایمان

شهید ثانی - در کشف الریبه - می‌فرماید: «حسد» اولین گناهی است که در زمین واقع شد؛ هنگامی که شیطان به آدم حسد ورزید و نیز قابیل به برادرش هابیل حسد ورزید و او را کشت و از همین‌رو آن را از بزرگ‌ترین گناهان و خراب‌کننده‌ترین آن‌ها می‌داند (شهید ثانی، ۱۳۹۰ق، ص ۵۲). اصل حسد، از عمل قلب است و مایه آن انکار فضل حق تعالی است و حسد و انکار فضل حق تعالی، دو بال می‌شوند برای وصول به مکان کفر (میرزا بابا شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۲۶).

بنا به فرموده امام علی (ع)، «حسد، ایمان را در قلب انسان آب می‌کند آن گونه که یخ و برف در آب ذوب می‌شوند» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۱۸)، امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ؛ حسد، ایمان را می‌خورد چنان که آتش هیزم را می‌خورد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۰۶) و یا حسدی که سبب نابودی ایمان می‌شود را به مثابه نمک در آب می‌داند: «کسی که به یک مؤمن حسودی کند، ایمان خود را مانند نمک که در آب حل می‌شود به کلی از دست داده است!» (ابن شعبه حرّانی، ۱۳۶۲، ص ۳۰۳).

در احادیث پیش‌گفته، نمک و هیزم ویژگی‌های ظاهری دارند و دارای بُعد و شکل هستند. سرعت از بین رفتن و کیفیت از بین رفتن در این دو می‌تواند مُشعر به چگونگی تخریب ایمان باشد. امام باقر (ع) می‌فرماید: «حسد مانند آتشی که هیزم خشک را با حرص و ولع می‌خورد، ایمان آدمی را به سرعت تباه و نابود می‌سازد» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۲۵۲). بنابراین، بنده به حقیقت ایمان نمی‌رسد، مادامی که دوست نداشته باشد برای مؤمن آنچه را که برای خود دوست دارد (فاطمی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۵۸). هرگاه حسد بر انسان عارض شد اگر در این حال به واسطه نور عقل و ایمان از این حال بدش آمد، این مرتبه از حسد مورد عفو است، اما کسی که از چنین خطوط زشتی باک ندارد، هرچند با جوارح خود کاری نکند، معصیت کار و خلاف تکلیف کرده است (دستغیب، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۲۳). با آن که در حدیث دیگر می‌فرماید: «وإذا حسدت فلا تبغ؛ وقتی که حسد عارضت شد، ستم مکن» (ابن شعبه حرّانی، ۱۳۶۲، ص ۵۰). مولوی در مورد زشتی حسادت، می‌گوید:

این حسد خانه حسد آمد بدان کز حسد آلوده گردد خاندان (مولوی، ۱۳۷۳، ص ۱۹).

در اینجا لازم است به تخریب ایمان و تأثیر حسد بر آن بر اساس تقسیم نشانه‌های حسد با توجه به اثری که که در باورها بر جای می‌گذارد (شناختی) و نیز از جنبه قلبی و عاطفی مورد ارزیابی و کنکاش قرار دهیم. در اینجا به تأثیر حسد در این دو ساحت، می‌پردازیم:

۱.۳. تخریب ساحت شناختی ایمان

مجموعه روایات و منابع دینی نشان می‌دهد که حسد در دستگاه شناختی انسان تأثیر گذاشته و سبب تخریب ایمان می‌شود، این تأثیر در دو بُعد حسد اتفاق می‌افتد در اصل دو عنصر شناختی و عاطفی حسد در دستگاه شناختی انسان تأثیرگذار است. «حسد» که یکی از اختلالات روحی و روانی است می‌تواند در بینش و عقاید و اندیشه انسان اثر منفی گذاشته و زمینه گرایش‌های منفی را ایجاد کند. چنان که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «دنیا خانه کسی است که خانه‌ای ندارد... و کسی که بر آن حسادت می‌کند که فهم (درستی) ندارد» (فیض کاشانی، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۳۵۵). تأثیر حسد در دستگاه شناختی نیز مواردی دارد که به بیان آن‌ها می‌پردازیم:



۱۱۹

تخریب ساحت شناختی ایمان

تسویل فکری یا تغییر در عقیده؛ واژه «تسویل» مصدر «سول» است.^۱ در واقع، «تسویل»، یعنی زیبا جلوه دادن زشتی‌ها چنان که قرآن کریم در جریان برداران حضرت یوسف (ع) به این امر اشاره می‌کند (سوره یوسف، آیه ۱۸). زیبا جلوه دادن زشتی‌ها تنها در اعمال نیست، بلکه در عقیده و افکار نیز جریان دارد. «حسود» در ظاهر اظهار دوستی و محبت می‌کند و در رفتارش نشانه‌های دوستی است، ولی دشمنی‌اش پنهان و مرموز، از این رو، خداوند به پیغمبرش امر می‌فرماید که از شر حسود به خداوند پناه برد (سوره فلق، آیه ۵). حسود، پنهانی در اندیشه نابودی محسود است، امام علی (ع) در توصیف او می‌فرماید: «رَشک برنده آشکار می‌کند دوستی خود را در گفتارهای خود و پنهان می‌دارد دشمنی خود را در کردارهای خود، پس مر او راست نام دوست و صفت دشمن» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۳۹) و نیز فرمود: «الحسود لا خلة له؛ حسود، دوستی ندارد» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۲۱). زینت دادن شیطان به این است که با تهییج عواطف درونی مربوط به آن عمل، در دل آدمی القاء می‌کند که عمل بسیار خوبی است و آن

۱. ابن منظور در تعریف تسویل، می‌نویسد: «سَوَّلْتُ لَهُ نَفْسَهُ كَذَا، زَيَّنْتُ لَهُ؛ نفس او فلان چیز را برایش تسویل کرد، یعنی آن را برایش زیبا جلوه داد» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۳۵۰).

قدر قلب متوجه آن می‌شود که دیگر فرصتی برایش نمی‌ماند تا در عواقب وخیم و آثار سوء و شوم آن تعقل کند (علامه طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۲۷). آن چنان که از بیان علامه طباطبائی برمی‌آید، حالت روحی و قلبی انسان است که به تعقل و اندیشه و فکر حاسد آسیب می‌زند. شیطان با زیبا جلوه دادن عمل زشت حسد در دل انسان کینه ایجاد می‌کند، سپس به این اکتفا نمی‌کند، بلکه او را به آزار و اذیت رساندن به صاحب نعمت به وسیله زبان یا دیگر اعمال جوارحی و جوانحی او را تشویق به عمل زشت حسد می‌کند.

حسود باید به خوبی درک کند که حسد به دین و دنیای او زیان می‌زند و برای دین و دنیای محسود سودمند است و اگر این مطلب را از روی حقیقت بدانند، از حسد دوری می‌کند (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۶۳۹).

حسود در انتظار زوال نعمت از دیگران است و زمانی که فضیلت و برتری آنان را مشاهده می‌کند، مبهوت و شگفت‌زده می‌شود، یا برای آن اشکالی می‌تراشد، یا در پی زیان رساندن به صاحب نعمت است، یا پشت سر او به غیبت و بدگویی می‌پردازد. در اصل، آغاز حسادت با یک خطای شناختی آغاز می‌شود. این خطای شناختی از آن است که داشته‌های دیگران برای حاسد امری زیان‌بار محسوب می‌گردد. این خطای شناختی گاهی محصول تفکر و اندیشه حاسد است که بیانش گذشت و گاه نتیجه تأثیر هیجانات و عواطف حاسد است.

نتیجه این دو عملیات قلبی و معرفتی بر ساحت شناختی و اندیشه فرد، باورها و عقاید شخص را در معرض آسیب قرار می‌دهد. در این صورت، شخص باور ندارد که آن که نعمت می‌بخشد و باز پس می‌گیرد خداست و این عدم باور، زمینه تأثیرات عاطفی را نیز فراهم می‌آورد.

حق جلوه دادن عقیده باطل؛ یکی از عللی که به جهت شناختی در نگاه و باور شخص تأثیر می‌گذارد، عدم پذیرش اراده الهی است که مُخل ایمان است. رسول خدا (ص) فرمود: خداوند عزّ و جلّ به موسی بن عمران (ع) فرمود:

ای پسر عمران! مبدا به مردم حسد بری درباره آنچه من به آنها داده‌ام از فضل خودم، چشمانت را به دنبال آن دراز مکن و دل خود را به دنبال آن روانه مکن، زیرا آن که حسد بُرد، نعمت مرا بد داشته و از آن قسمتی که من میان بنده‌هایم کردم مانع شده و هر که چنین باشد، من از او نیستم و او هم از من نیست» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۲۱۱).

امام علی (ع) نیز «حسد» را منشأ تمام رذائل می‌داند و می‌فرماید: «رأس الرذائل الحسد؛ حسد،

سرچشمه صفاتِ رذیله است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۷۷). نمونه بارز از بین رفتن خرمین حسنات، شیطان است که با حسادت عبادت شش هزار ساله خود را نابود کرد. نیز از رسول اکرم (ص) منقول است که: «ترسناک‌ترین چیزی که از آن بر امت خود می‌ترسم این است که مال ایشان زیاد شود، پس بر یکدیگر حسد بورزند و یکدیگر را به قتل رسانند» (فیض کاشانی، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۳۲۶). شخص حسود، با حسادتش لباس بندگی شیطان را می‌پوشد و از ولایت خداوند متعال خارج می‌شود. امام علی (ع) در سخن دیگری حسد را بدترین صفت و خلق شیطان می‌داند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۶۷). حسود به واسطه شادی از نزول بلا بر مؤمنین و زایل شدن نعمت‌های ایشان شریک شیطان و تابعان آن از کفار و دشمنان دین می‌گردد (ملا احمد نراقی، ۱۳۷۸، ۴۶۶).

از این‌رو، بیان کرده‌اند که حسد به معنای خشم بر مقدر الهی است و بد داشتن آن نعمتی که به بنده‌های خود داده است و عدل او که از روی حکمت و مصلحت خود است و این خود خار بر دیده ایمان است (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۶۳۹). آسیب دیگری که در ساحت اندیشه شخص وارد می‌شود دیدگاه او به عدالت پروردگار است در این نگاه حاسد در عدل خداوند تشکیک می‌کند. حسود در حقیقت می‌خواهد منکر عدل پروردگار و حساب جهان شود و همین طرز افکار که به واسطه حسد در انسان پیدا می‌شود سبب می‌شود که چشم عقل انسان کور شود (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۲، ص ۳۹۴). حسود در اندیشه و گمان خود به خداوند سوء ظن دارد و بر این اساس، به عقیده صاحب‌نظران دینی، حسود به حکمت خداوند معترض است و به تدریج سوء ظنش به خداوند و حکمت و عدالت او بیشتر می‌شود و همین امر او را از وادی ایمان بیرون می‌کشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۲۴-۴۲۵).

باطل جلوه دادن عقیده حق؛ یکی از تأثیرات شناختی که حسد با بازوی نگرشی و گرایشی در دستگاه معرفتی افراد می‌گذارد آن است که عقاید درست و بحق باطل جلوه می‌کند از این‌رو، حکمت الهی جایش را به حق بودن خود فردی می‌دهد؛ چنان که قرآن کریم به حسادت کفار و شگفت‌زده شدن آنان نسبت به رسالت حضرت نوح (ع) و دیگر پیامبران اشاره فرموده است (سوره اعراف، آیه ۶۳) و نیز شیطان زمانی که به سجده کردن حضرت آدم (ع) فراخوانده شد، گفت که من از آدم برترم (همان، آیه ۱۲). در این اتفاق شیطان عقیده خود را حق و خواست الهی را باطل انگاشت.

روایت شده که پیامبر (ص) در مورد مردی از انصار شهادت داد که وی اهل بهشت است و چون



از حال او جست‌وجو کردند، عمل فوق‌العاده‌ای از او ندیدند ... جز این که در نفس خود نسبت به هیچ یک از مسلمانان در خیری که خداوند به او داده بود کینه و حسدی نداشت» (فیض کاشانی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۴۴۷). حسادت ناشی از جهل نسبت به حکمت و مصلحت خداوند متعال است، امام کاظم (ع) می‌فرماید: «هرکس ... راحتی قلب از حسد و سلامت در دین را خواستار است، باید متضرّعانه از خداوند بخواهد که عقل وی را کامل کند» (کلبی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۸).

حسادت و عقیده باطل شیطان او را از دایره رحمت الهی خارج کرد. شخص حسود همیشه برای پیشرفت دیگران علت‌های شیطانی می‌تراشد و حاضر نیست به علل واقعی آن پیشرفت اعتراف کند (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۲، ص ۳۹۴). آن چنان که از منابع بر می‌آید بهشت در گرو ایمان است و ایمان با این نگرش نسبت به داشته‌های دیگران متفاوت است. این که حسود به گستردگی نعمت‌های الهی و نیز کامل نبودن امکانات مادی توجه ندارد، نشان‌دهنده جهل او به قوانین الهی و موقعیت و امکانات موجود است (ولی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۰). شخص حسود گمان می‌کند امتیازات و برتری دیگران نادرست است به همین دلیل خود را برتر می‌داند و حاضر نیست استعداد و نبوغ دیگران را نشانه‌ای از برتری آنان بر خود به حساب آورد.

۲.۳. تأثیر در بعد عاطفی و قلبی

از آنجا که حسد یک صفت و ویژگی نفسانی و درونی است که بیشترین تأثیر را در حوزه عاطفی و قلبی افراد دارد و منجر به تخریب عملکرد اخلاقی افراد می‌شود. شخص حسود در زمان حسادت، تجربه‌هایی دارد که به صورت تدریجی در روح و روان او تغییراتی را ایجاد می‌کند و خود او این امر را در احساسات و هیجانات خود به صورت محسوس احساس می‌کند که در اینجا به برخی از مراحل آن در آیات و روایات اشاره می‌کنیم:

تخریب قلب، مقدمه تخریب ایمان؛ یکی از تأثیراتی که حسد بر جان انسان می‌گذارد از بین رفتن کارایی روح است. این تخریب و گرفتاری روحی سبب می‌شود تا روح نتواند به مقاصد خود دست پیدا کند. این تخریب گاهی به واسطه ایجاد صفات و احساسات منفی است. قرآن کریم به خیرخواهی اهل ایمان اشاره دارد (سوره حشر، آیه ۱۰)؛ در حالی که حسود از این فضایل غافل است.

حسد، مولد گناه غیبت، تهمت، قتل، غارت و از بین بردن عرض و آبروی مردم است. چنان که امیرالمؤمنین (ع) شدّت کینه را از شدت حسادت می‌داند: «شِدَّةُ الْحَقْدِ مِنْ شِدَّةِ

الْحَسَدُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۴۱۳). این اوصاف، روح را تخریب و فروغ ایمان را می‌کاهد و آن را کم‌رنگ می‌سازد. از این‌رو، در کلامی دیگر ایشان حسد را مانع تعالی روح و کسب ملکات، نیکی‌ها و حسنات می‌داند و می‌فرماید: «الحسد حبس الروح» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۱). زیرا؛ حسد، روح و روان را می‌کاهد و ایمان شخص را از بین می‌برد (دستغیب، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳).

امام صادق (ع) می‌فرماید: «حسود پیش از آن که به محسود زیان برساند، به خود زیان می‌رساند» (مصباح الشریعه، ۱۹۸۰م، ص ۱۰۴) و نیز امام علی (ع) فرمود: «حسد، جز زیان و خشم چیزی در وجود انسان ایجاد نمی‌کند...» (کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۳۷) و نیز حسود، حسادتش را متوجه افراد بی‌گناه می‌کند و نیز می‌فرماید: «حسود بر کسی که گناهی ندارد، خشمگین است» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۲۵۶). شخص حسود به واسطه تبعات ناشی از این رذیله اخلاقی، ایمان خودش را در معرض هلاکت و نابودی قرار می‌دهد و همان‌گونه که از امام صادق (ع)، منقول است که فرمود: رسول خدا (ص) فرمود: «غضب فاسد کند ایمان را، چنان‌چه فاسد کند سرکه غسل را» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۰۲). حسد، دل را گرفته و تنگ می‌کند، آثار آن در همه وجود آشکار می‌شود، دل را محزون و افسرده، سینه را تنگ، چهره را عبوس می‌سازد و نور ایمان را در دل خاموش می‌کند و هر قدر قوت پیدا کند، نور ایمان رو به ضعف می‌گذارد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ص ۶۰). روح و روان آلوده به رذایل اخلاقی صفاتی همانند آنچه که در آن است ظهور و بروز می‌کند و همین مقدمه نفوذ عوامل تخریبی ایمان را می‌شود.

حسود از وضع زندگی خود ناراضی است و این یکی از دلایل حسادتش است. از این‌رو، امام علی (ع) می‌فرماید: «من رضی بحاله لم یعتوره الحسد؛ کسی که از شرایط خود راضی باشد، غبطه نخواهد خورد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۶۰۱)، یعنی پیایی بر رشک و حسد مردم گرفتار نخواهد شد، زیرا که رشک و حسد کسی بر کسی از اینست که چرا او چنان باشد و من نباشم، هرگاه بحال خود راضی و خشنود باشد دیگر رشک بر کسی نبرد (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۲۴۴). شخصی که راضی به رضای حق باشد و تسلیم در برابر اراده او و قانع به زندگی خویش باشد، دچار حسادت نمی‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۴۹).

اصل ایمان، خشوع و تسلیم دل برای خداست. افاضه نور ایمان و یقین از خداست. اگر شخص اسلام را پذیرفت و عقاید حق را قبول کرد و با انجام واجبات و ترک گناهان، حالت آمادگی برای افاضه نور در او پیدا می‌شود (دستغیب، ۱۳۸۷، ص ۱۹۶). در واقع، حسود خودش را از افاضه نور ایمان محروم می‌کند، خودش را با صاحب نعمت مقایسه می‌کند و زمانی که



کمبودهای خود را می‌بیند، آرزوی زوال نعمت را دارد. حسود پیوسته در حزن و آلم است و امام علی (ع) در این باره، می‌فرماید:

حسودان همیشه غمگین‌اند؛ زیرا آنها تنها نسبت به بدی که به خودشان می‌رسد ناراحت نمی‌شوند، بلکه نسبت به خوبی‌هایی که به دیگران می‌رسد نیز غمگین می‌شوند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۳۳۲).

حیات طیبه برای مؤمن وقتی است که نور ایمان به دلش آمد و به خداوند مطمئن شد و گرنه مادامی که ایمانش به سبب است، آرامش ندارد. اضطراب درون و کم و زیاد شدن اسباب، او را هلاک می‌کند (دستغیب، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۴۹). امراض معنوی هرچند سبب خسارت آخرتند، در دنیا ممکن است لذتی داشته باشند، برخلاف حسد که با وجود ضرر و زیان در آخرت، حسود در دنیا همیشه در غم و اندوه است (ذوالفقاری و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱).

با توجه به آنچه بیان شد، کسی که به رذیله حسد گرفتار است، هرگز نمی‌تواند نور ایمان را در قلبش نگه دارد و با خطراتی که ناشی از این رذیله اخلاقی است و ایمان او را تهدید می‌کند، مقابله نماید. حسرت‌های حسود بسیار است؛ زیرا حسود بر اکثر مردم که نعمتی داشته باشند رشک می‌برد و می‌خواهد که آن نعمت از آنها زائل شود و اگر چنین نشود، حسرت می‌برد. از همین رو، امام علی (ع) می‌فرماید: «حسود بسیار حسرت و اندوه دارد و گناهانش پیوسته افزوده می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۴۴). گویا مراد از «دو چندان گردیدن گناهان او» عظیم بودن گناهان اوست و شاید مضاعف شدن عقاب آنها باشد نسبت به کسی که آن گناه را کند و حسد نداشته باشد (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۹۲-۳۹۳). بنا براین، چند برابر بودن گناهان حسود زمینه را برای ورود او در وادی هلاکت و تخریب ایمانش هموار می‌سازد.

نفرت از محسود یا میل به نابودی محسود یا خوشحالی از شکست یا زمین خوردن محسود تنها آرزوی انسان حسود است. بنابراین، در زمان خشم و عصبانیت، رفتار و گفتاری از حسود صادر می‌شود که منافی ایمان است و همین امر او را از صف اهل ایمان خارج کرده و کافر می‌کند.

تأثیر بر نورانیت دل؛ در بسیاری از معارف دینی، از «ایمان» به نور تعبیر شده و این نور به وسیله تاریکی حسد از بین می‌رود. در اصل تاریکی و ظلمت حسد زمینه از بین رفتن نور ایمان می‌شود. از همین رو، نوع ارتباطی که بین حسد و ایمان در منابع و متون دینی بیان شده است می‌تواند چگونگی تخریب ایمان به واسطه حسد را نشان دهد. قرآن کریم می‌فرماید: «أَوْ مَنْ كَانَ مُتِيًّا فَاحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ...» و آیا کسی که مرده

(جهل و ضلالت) بود ما او را زنده کردیم و به او روشنی (علم و دیانت) دادیم تا به آن روشنی میان مردم (سرافراز) رود» (سوره انعام، آیه ۱۲۲). یعنی انسان پیش از آن که هدایت الهی دستگیریش کند شبیه مّیتی است که از نعمت حیات محروم است و حس و حرکتی ندارد و پس از آن که موفق به ایمان شد و ایمانش مورد رضایت پروردگارش هم قرار گرفت، مانند کسی است که خداوند او را زنده کرده و نوری به او داده که با آن نور می‌تواند هر جا که بخواهد برود و راه را از چاه تمیز دهد (علامه طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۴۶۴).

در روایتی از امام صادق (ع) سؤال شد: به چه چیزی روشن می‌شود که مؤمن، مؤمن است؟ و ایشان در پاسخ فرمودند: «بالتسليم لله و الرضا فيما ورد عليه من سرور او سخط؛ به تسلیم بودن در برابر خداوند و راضی بودن از شادی و ناراحتی که به او می‌رسد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۲) و نیز روایات دلالت بر نور بودن ایمان می‌کنند، امام رضا (ع) می‌فرماید: «الایمان نور من أنوار الله فانض منه على قلب من يشاء من عباده» (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۷۸) و در حدیث دیگری وارد شده است که «الایمان نورٌ یقذفه الله فی قلب المؤمن» (ملاصدرا، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۱۶). امیرالمؤمنین علی (ع) نور ایمان و یاد خداوند را مایه روشنی دلها دانسته‌اند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۲۸). تبیین برخی بزرگان اخلاق و عرفان از نوع تأثیرگذاری حسد بر ایمان، تبیین ایمان به منزله نور و حسد به منزله تاریکی است که در اثر ایجاد تاریکی حسد، روشنایی و فروغ ایمان از بین می‌رود. از این رو، «ایمان» نوری است که دل را تجلّی‌گاه حق می‌سازد و این نور معنوی، قلب را وسیع‌تر از همه موجودات می‌کند و با آن تنگی و تاریکی که در اثر صفت حسد برای دل پیش می‌آید ناسازگار است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ص ۶۰) گاهی ضعف ایمان و یا ناآگاهی از استعدادهای آدمی و ظرفیت‌هایی که برای پیشرفت در وجود اوست، او را گرفتار عقده حقارت و حسد می‌کند که باید در سایه توکل به خداوند و اعتماد به نفس، آن را درمان کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۴۸). نیل به درجات بالای ایمان تنها با دوری از رذائل اخلاقی و از جمله حسد امکان‌پذیر است و حسادت نورزیدن از نشانه‌های افراد با ایمان است (شیخ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۳۴۹). تا زمانی که نور ایمان در دل انسان روشن باشد، از مبدأ خود قطع امید نمی‌کند؛ زیرا اگر نور ایمان در دل شخص باشد، محال است که انقطاع و یأس مستمر داشته باشد (دستغیب، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۸۵). در حالی که حسود نور ایمان در دلش به خاموشی گراییده است و تسلیم و رضا که به منزله صورت خلیات مؤمن است که نور ایمان در آن منعکس شده و آینه‌ای است که نور ایمان در آن متجلّی شده است به دور است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۹۷) و حسود با عدم



رضا و تسلیم در برابر خواست و امر الهی، خودش را از صف اهل ایمان جدا می‌کند و همین زمینه را برای تخریب ایمان و هلاکت او فراهم می‌سازد.

بروز و ظهور رذایل با تأثیرات مخرب بر ایمان؛ یکی از زمینه‌هایی که سبب تأثیر حسد در ایمان می‌شود، ایجاد رذیله‌هایی است که «حسد» سبب آن است. این رذیله‌ها سبب می‌شود حوزه ایمان افراد دستخوش نقص و خلل شود. در بسیاری از آیات و روایات به تأثیر گناهان و رذایل در ایمان اشاره شده است و از این جهت، حسد با ایجاد و شکل‌گیری برخی رذایل و گناهان در ساحت‌های معرفتی و قلبی و گرایشی افراد تأثیر می‌گذارد که سهم عمده آن در گرایش‌ها و عواطف افراد و در نتیجه، خلل در ساحت معرفتی است. قرآن کریم اهل ایمان را از غیبت و بدگویی نهی کرده است (سوره حجرات، آیه ۱۲-۹) و نیز عزت را مختص ذات الهی دانسته است «... فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا ...» (سوره فاطر، آیه ۱۰). حسود در برخی از موارد با بُخل ورزیدن، تنگ‌نظری و بد اخلاقی، خواهان زوال نعمت از دیگران است. قرآن کریم به این امر اشاره دارد (سوره اسراء، آیه ۱۰۰). (حسود با مشاهده لغزش دیگران به شماتت و سرزنش رو می‌آورد. قرآن کریم می‌فرماید: «و همانا گروهی از شما (در کار جنگ) کندی و درنگ می‌کنند، اگر برای شما حادثه ناگواری پیش آید (به شماتت) گویند: خداوند ما را مورد لطف خود قرار داد که با آنان حاضر نشدیم» (سوره نساء، آیه ۷۲) و نیز در حدیث است که «حسود زمانی که لغزشی در دیگری می‌بیند، ذوق می‌کند و شاد می‌شود» (قشیری، ۱۳۷۴، ۲۵۲)؛ در حالی که امام صادق (ع) از شماتت برادران دینی نهی فرمودند و نتیجه سرزنش دیگران را گرفتار شدن در وضعیت او عنوان کرده‌اند (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۳۷). «حسد» سبب شکل‌گیری برخی رذیله‌های اخلاقی می‌شود و این رذیله‌های اخلاقی تأثیر مستقیمی بر حوزه ایمان می‌گذارند؛ هم در بخش قلبی و هم عاطفی در اصل رابطه گناه و معرفت اینجا خود را نشان می‌دهد. در ادامه، به عنوان نمونه به برخی از رذایلی که در قلب انسان ایجاد می‌شود و به مثابه مقدمه‌ای برای تخریب ایمان است، اشاره می‌شود.

غیبت، به فرموده امام علی (ع)، تلاش فرد ناتوان است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۵۷). شخص حسود می‌کوشد با غیبت کردن کسی که مورد حسد اوست، آبروی او را ببرد. تهمت و افتراء نیز از گاه از رذیله حسد سرچشمه می‌گیرند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۱۷). از نظر روان‌شناسان، احساس حقارت، از عوامل روانی و تربیتی حسادت به شمار می‌آید و منشأ بسیاری از اختلالات روانی از جمله خودنمایی، ریاکاری، تهمت و بسیاری دیگر از بیماری‌های روحی و روانی است (ذوالفقاری و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲). در واقع، حسود زمانی که نمی‌تواند به درجه

محسود برسد یا از راه‌های عملی نمی‌تواند ضرری را به او برساند، به غیبت و بدگویی متوسل می‌شود و همین بدگویی زمینه تخریب ایمان را فراهم می‌کند. حسود با چاپلوسی در پی عزت گرفتن از غیر خداست و خضوع و خشوعش برای غیر اوست و همین بستر و زمینه زائل شدن ایمان را فراهم می‌آورد.

امام علی (ع) می‌فرماید: «کسی که نزد ثروتمندی رود و به جهت مالش برای او فروتنی کند، خداوند دو سوم دینش را می‌برد» (زمخشری، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۹۰) و نیز می‌فرماید: «ستایش و تعریف بیش از شایستگی، تملق و چاپلوسی است و کمتر از شایستگی، درماندگی یا حسادت است» (زمخشری، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۱۰۴). غالباً طمعکاران برابر ثروتمندان، به قلب خاشع می‌شوند و به زبان هم به تملق و چاپلوسی بر ایشان کوچکی می‌کنند، دو قسمت ایمانشان زائل می‌شود (دستغیب، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۵۳). حسد یکی از رذایلی است که در امت‌های پیشین نیز وجود داشته و موجب نابسامانی‌هایی نیز شده است. چنانکه در حدیثی از پیغمبر اکرم (ص) می‌خوانیم که ... بیماری حسد دین را از بین می‌برد و راه نجات از آن و درمان آن این است که انسان (هنگام پیدایش نشانه حسد) دست و زبانش را نگاه دارد و حتی نسبت به برادر مؤمن خود با اشاره چشم و ابرو اهانت نکند» (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۴۴). به فرموده امام صادق (ع) لقمان به فرزندش توصیه‌هایی داشتند از جمله این که «نشان حسود سه چیز است: بدگویی، چاپلوسی و شاد شدن از درماندگی رقیب» (شیخ صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۲۱). امام علی (ع) می‌فرماید: ... «حسود نسبت به چیزی که مالکش نیست، بخل می‌ورزد» (قشیری، ۱۳۷۴، ص ۲۵۲) و نیز امام صادق (ع) فرمود: «به راستی که بدخلقی هر آینه ایمان را تباه کند؛ چونان که سرکه غسل را» (علامه مجلسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۴۷). بنا به مطالب پیش گفته، حسد از مؤثرترین و مخرب‌ترین رذایلی است که در حوزه قلبی و عاطفی وارد شده و زمینه‌ساز زوال و نابودی ایمان است.

نتیجه

یکی از راهکارهای نیل به فضایل اخلاقی و دوری از رذایل، ریشه‌یابی رذایل و فضایل اخلاقی و تبیین نحوه تأثیر و تأثر آنها بر یکدیگر است که به ویژه در علوم مثل روان‌شناسی بدان توجه ویژه شده است. یکی از مهم‌ترین منابعی که می‌تواند محل تأمل و واکاوی در تبیین چنین تأثیرات اخلاقی در حوزه فضایل و رذایل باشد، روایات است که بررسی دلالتی آن به ویژه کمتر مورد



۱۲۷

توجه است. از جمله این روایات که در این مقاله مورد واکاوی قرار گرفت حدیثی است که در آن به تأثیر حسد در تخریب ایمان اشاره شده است. بر اساس تحلیل دلالت روایت مذکور، «حسادت» یکی از بیماری‌های خطرناک روحی و روانی است که همگان در معرض آن هستند. شناخت ابعاد تأثیرگذار حسد در ابعاد وجودی انسان می‌تواند به درمان این رذیله اخلاقی بیانجامد. به ویژه آن که بر اساس معارف دینی این تأثیرگذاری در حوزه ایمان زمینه خروج انسان از حیات اخلاقی را فراهم می‌سازد. در روایات اسلامی، تخریب ایمان به وسیله حسد به خورده شدن هیزم به وسیله آتش تشبیه شده است. از آنجا که ایمان دو بُعد مهم شناختی و عاطفی را در بردارد و بر رابطه معرفتی و قلبی انسان با خداوند استوار است، «حسد» به عنوان یک صفت درونی در این دو بُعد ایمان تأثیرات نامطلوبی می‌نهد و به تخریب بنای ایمان منجر می‌شود. با توجه به رابطه تنگاتنگ ایمان و اخلاق، شناخت حسد به عنوان یکی از رذایل اخلاقی نابودکننده ایمان، می‌تواند به مصونیت و صیانت از عنصر هویت بخش انسان، یعنی ایمان بیانجامد. ایمان، در قلبی که آکنده از شراره‌های حسد باشد، رشد و نمو نخواهد داشت. حسادت هم به لحاظ شناختی و هم به لحاظ بُعد عاطفی، ایمان را نشانه رفته و با ضعف در عقیده و باورها ساحت شناختی ایمان را نشانه می‌رود و با ایجاد حالت‌های روحی و عاطفی، مثل ایجاد نارضایتی از زندگی، غم و اندوه، افسوس و افسردگی، خشم و غضب، مایه تخریب بُعد عاطفی و قلبی ایمان می‌شود. نتیجه چنین آسیب‌هایی ظهور رفتارهایی چون غیبت و بدگویی، کتمان خوبی‌ها، شمات، بداخلاقی و دیگر رذیله‌های اخلاقی خواهد شد که خود می‌تواند به ایمان آسیب مضاعف وارد کند و نتیجه چنین بی‌ایمانی‌ای خروج از حیات طیبیه و ورود به حیات ظلمانی است که در آن به‌کارگیری استعداد و توان حاسد در مسیر غیر صحیح و بروز و ظهور انواع نابسامانی‌ها، قتل و جنایت‌ها، هرج و مرج و بداخلاقی‌ها در جامعه خواهد شد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

ابن مسکویه، احمد بن محمد. (۱۴۲۶ق). تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق. قم: طلیعه النور.
ابن ابی الحدید، بد الحمید بن هبة الله. (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید. (ج ۲۰). قم:

مکتبۃ آية الله المرعشي النجفی.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۶۲). علل الشرائع. (ج ۱). قم: داوری.
ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۶۲). تحف العقول. تهران: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ ق). المقایس اللغة. (ج ۱). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق). لسان العرب. (ج ۳، ۱۱). بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر.
ابن میثم بحرانی. (۱۴۱۷ ق). ترجمه شرح نهج البلاغه. (ج ۳، ترجمه: محمدی مقدم و نوایی). مشهد: آستان قدس رضوی.

اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ ق). کشف الغمه. (ج ۱). تبریز: بنی هاشمی.
اکبری، محمود. (۱۳۹۰). بیماری های اخلاقی و درمان های قرآنی. قم: فقیان.
پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). نهج الفصاحه. (ج ۱). تهران: نشر علمی.
تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ ق). غررالحکم و دررالکلم. (ج ۱). مصصح: مهدی رجایی). قم: دار الکتاب الاسلامی.

جعفر بن محمد (ع). (۱۹۸۰ م). مصباح الشریعه منسوب به امام جعفر صادق (ع). (ج ۱). بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین. (۱۳۶۳). تفسیر اثنا عشری. (ج ۱). تهران: انتشارات مفید.
حسینی زبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴ ق). تاج العروس من جواهر القاموس. (ج ۴). بیروت: نشر دارالفکر.

خوانساری، آقا جمال محمد بن حسین. (۱۳۶۶). شرح بر غرر الحکم و درر الکلم. (ج ۵ و ۵). تهران: نشر دانشگاه تهران.

دستغیب، عبدالحسین. (۱۳۸۷). ایمان. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
دستغیب، عبدالحسین. (۱۳۸۷). اخلاق اسلامی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

دستغیب، عبدالحسین. (۱۳۸۸). گناهان کبیره. (ج ۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ذوالفقاری، شهاب الدین؛ نجاریان، بتول؛ نجاریان زکیه. (۱۳۹۳). «راه های درمان حسادت از دیدگاه اسلام و روان شناسی». ماهنامه معرفت. سال ۲۳، ش ۲۰۵.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۸۶). المفردات فی الفاظ القرآن الکریم. (ترجمه: مصطفی رحیمی پناه). تهران: نشر سبحان.

زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۱۲ ق). ربیع الأبرار و نصوص الأخبار. (ج ۵، محقق: مهنا عبدالامیر). بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.



- شبر، سید عبد الله. (۱۴۲۴ق). حق الیقین فی معرفه أصول الدین. قم: انوار الهدی.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۳۹۰ق). کشف الریه. بی جا: نشر دارالمرتضوی.
- شیخ حرّ عاملی. محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق) وسائل الشیعه. (ج ۱۵). قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۸۳). شرح اصول الکافی. (ج ۱). تهران: صدرا.
- طباطبایی، سید محمد حسین (علامه طباطبایی). (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. (ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، سید محمد حسین (علامه طباطبایی). (۱۳۸۸). بررسی های اسلامی. (ج ۱). قم: بوستان کتاب.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۷). تفسیر جوامع الجامع. قم: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). مجمع البحرین. (ج ۳، محقق: سید احمد حسینی). تهران: نشر مرتضوی.
- طوسی، خواجه نصیر الدین. (۱۴۰۷ق). تجرید الاعتقاد. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- طوسی، نصیرالدین محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). اخلاق ناصری. (ج ۱). تهران: علمیه اسلامی.
- طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. (ج ۴). تهران: انتشارات اسلام.
- عزلی خلخالی، ادهم. (۱۳۸۱) رسائل فارسی ادهم خلخالی. (ج ۱). تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- غزالی، محمد بن محمد. (۱۳۸۶) احیاء علوم الدین. (ج ۳، مترجم: مؤیدالدین محمد خوارزمی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- فاطمی، حسین. (۱۳۸۴). گنجینه اخلاق جامع الدرر فاطمی. (ج ۱). تهران: امیر کبیر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹). العین. (ج ۸). قم: نشر هجرت.
- فیض کاشانی، محمد. (۱۳۷۶). محجة البیضاء. (ج ۵، مصحح: علی اکبر غفاری). دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- قرشی بنایی، علی اکبر. (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن. (ج ۲). تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن. (۱۳۷۴ ش) الرسالة القشیریة. (ج ۱). قم: نشر بیدار.
- کاشانی، عز الدین محمود بن علی. (بی تا). مصباح الهدایة و مفتاح الکفایه. (ج ۱). تهران: مؤسسه نشر هما.
- کراجکی، محمد بن علی. (۱۴۱۰ق). کنز الفوائد. قم: دارالذخائر.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۵). اصول کافی (ترجمه کمره ای). (ج ۴، ۵). قم: نشر اسوه.
- مجلسی، محمد باقر (علامه مجلسی). (۱۴۰۳). بحارالانوار. (ج ۷۲). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. (ج ۱). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). مجموعه آثار استاد شهید مطهری. (ج ۲۲). قم: صدرا.
- مفید، محمد بن محمد (شیخ مفید). (۱۴۱۳ق). الأمالی. قم: کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر. (بی تا). یکصد و پنجاه درس زندگی. (ج ۱). قم: نسل جوان.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۵). اخلاق اسلامی در نهج البلاغه (خطبه متقین). قم: نسل جوان.

مكارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. (ج ۳). تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.

مكارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. (ج ۱ و ۲). قم: مدرسة الإمام علی ابن أبی طالب.

موسوی خمینی. روح الله (امام خمینی). (۱۳۸۹). شرح چهل حدیث. (شارح: جواد محدثی). قم: نشر هاجر.

مولوی، جلال الدین محمد بن محمد. (۱۳۷۳). مثنوی معنوی. (ج ۱). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

میرزا بابا شیرازی، ابوالقاسم بن عبدالنبی. (۱۳۶۳) مناهج أنوار المعرفة في شرح مصباح الشريعة و مفتاح الحقيقة. (ج ۲). تهران: خانقاه احمدی.

نراقی، ملا احمد بن محمد مهدی. (۱۳۷۸). معراج السعادة. قم: انتشارات هجرت.

نراقی، ملا مهدی. جامع السعادات. (بی تا). (تصحیح و تنظیم: محمد کلاتنر). بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل. (ج ۱۲). بیروت: مؤسسه آل بیت (ع) الاحیاء التراث.

ولی زاده، ابوالقاسم. (۱۳۹۱). «نشانه شناسی حسد با تکیه بر منابع اسلامی» ماهنامه معرفت. ش ۱۷۴.

